

رابرت اسکولز  
ترجمه‌ی فرزانه طاهری

# عناصر داستان



## فهرست

در باب مقدماتی بودن متن همت

### بحث یک عناصر ۱

- |    |  |
|----|--|
| ۲  | ۱ داستان، امر واقع، و حقیقت            |
| ۵  | ۲ داستان تحریر و تحلیل                 |
| ۷  | ۳ طیف داستان                           |
| ۱۱ | ۴ گونه‌ها و انگاره‌های داستانی         |
| ۱۶ | ۵ طرح                                  |
| ۱۸ | ۶. شخصیت                               |
| ۲۱ | ۷ معنا                                 |
| ۲۷ | ۸ بطرگاه منظر و زبان                   |
| ۳۵ | ۹ نقشه همکاری و تکرار در ساختار داستان |

### بحث دو سه داستان و سه تفسیر ۴۱

- |    |  |
|----|--|
| ۴۲ | یادداشت مقدماتی                          |
| ۴۳ | مهتاب ارگی دو مویاسان                    |
| ۵۱ | تفسیر                                    |
| ۵۶ | گل ار حیمیر حویس                         |
| ۶۶ | تفسیر                                    |
| ۷۸ | مصموم حائن و قهرمان ار حورحه لوتیس بورحس |
| ۸۴ | تفسیر                                    |

امر واقع و داستان آسایان قدیم‌اند هر دو از واژه‌های لاتین مشتق شده‌اند fact (امر واقع) از *facere* - ساختن یا کردن - گرفته شده است fiction (داستان) از  *fingere* - ساختن یا شکل دادن شاید فکر کنید چه کلمات ساده‌ای - چرا که نعمه دیگری از سر تأیید یا عدم تأیید بر آنها بار شده است اما اقبال این دو در جهان واژه‌ها به یکسان بوده است کار و بار fact (امر واقع) رونق فراوان یافته است در مکالمات روزمره ما fact (امر واقع) با ستون‌های جامعه ربان یعنی «واقعیت» و «حقیقت» پیوند حورده است اما fiction (داستان) هم‌شیش موحودات مشکوکی است چون «عیرواقعی بودن» و «دروع بودن» با این همه، اگر بیک سگریم، می‌توانیم ببیم که سست «امر واقع» و «داستان» با «واقعی» و «حقیقی» دقیقاً هم‌مانی بیست که به ظاهر می‌نماید معنای تحت‌اللفظی امر واقع همور هم در نظر ما «امر رح داده» است و داستان هم هرگر معنای «امر ساخته شده» اش را از دست نداده است اما امور رح داده یا ساخته شده از چه نظر حقیقت یا واقعیت می‌یاسد؟ امر رح داده وقتی انحام می‌گیرد، دیگر و حود واقعی ندارد ممکن است پیامدهایی داشته باشد، و ممکن است اسادی و حود داشته باشد دال بر اینکه قبلاً و حود داشته است (مثلاً حگ داخلی امریکا) اما همین که رح داد، دیگر موحودیت اش پایان می‌پذیرد اما چیزی که ساخته می‌شود، تا زمانی که فساد پذیرد یا نابود شود، و حود دارد همین که پایان می‌پذیرد، موحودیت اش آعار می‌شود (مثلاً داستانی از حگ داخلی امریکا ماسد نشان سرح دلیری استیئس کریس) سراحام آنکه امر واقع هیچ نوع و حود حارحی ندارد، حال آنکه داستان ممکن است قرن‌ها دوام بیاورد

برای روشتر کردن سست عحیب امر واقع و داستان، حایی را که

## ۱ داستان، امر واقع، و حقیقت

داستان<sup>۱</sup> قصه‌ای برساخته است این تعریف حوره‌های بسیاری را در بر می‌گیرد؛ از آن حمله است دروغ‌هایی که در حانه و حانواده سرهم می‌کنیم تا حود را از کحکاوی‌های آرارنده حعط کنیم، و لطفیه‌هایی که تصادفاً می‌شویم و بعد من ناب مکالمه مؤدبانه (یا عیرمؤدبانه) بارگو می‌کنیم، و بیر آثار ادبی حیا لپرورد و بررگی چون بهشت گمشده میلتون یا حود کتاب مقدس نله، می‌گویم که کتاب مقدس داستان است، اما بیش از آنکه از سر تقوا و با حالتی حق‌به‌حائب رگ‌های گردنتان برآماسد یا از سر اعتقاد به شکاکیت به رسایت سر بحسباید، چند کلمه دیگر را هم بحوانید کتاب مقدس داستان است چون قصه برساخته است مقصودم این بیست که حتماً باید نتیجه گرفت که از حقیقت در آن حبری بیست این هم بیست که در کتاب مقدس ممکن است از امور واقع<sup>۲</sup> حبری باشد سست امر واقع با داستان انداً نه آن سادگی‌ها که شاید فکر کنیم بیست؛ و چون این سست در درک داستان حائر اهمیت است باید با دقتی در حور به بررسی آن پرداخت

قرمز تاریخ ناب و ماورایِ بخشِ تحیلِ ناب درحالتِ مختلف رنگ را تشخیص دهیم اما همهٔ این رنگ‌ها احرائی از پرتو سییدِ حقیقت‌اند که هم در کتاب‌های تاریخ یافت می‌شود و هم در افسانه‌های پریان، اما در هر یک از این دو تنها حرئی از آن هست - که به مدد مشور داستان، که اگر سود اصلاً قادر به دیدن این نور بودیم، تحریر شده است آخر حقیقت چون نور معمولی است، در همه جا حاضر است اما نامرئی است، و دیدش مستلزم انکسار [یا تحریر] آن است انکسار حقیقت به گونه‌ای هدفمند و خوشایند - کار بویسدهٔ داستان همین است، تا هر درحه‌ای از رنگ‌های طیف که نخواهد کار کند

## ۲ داستان تجربه و تحلیل

هر چند داستان موحودیتی واقعی دارد - کتاب ورن دارد و فصایی را استعمال می‌کند - تجربهٔ داستان عیرواقعی است وقتی داریم داستانی می‌خوانیم، «کار»ی انجام نمی‌دهیم حریان عادیِ زندگی‌مان را متوقف کرده‌ایم، ارتباطمان را با دوستان و اعضای خانوادهٔ خود قطع کرده‌ایم، تا به طور موقت در جهانیِ خصوصی و عیرواقعی حانه کنیم تجربهٔ داستان بیشتر شیه حواب دیدن است تا فعالیت معمول در بیداری جسم‌مان بی‌حرکت می‌شود، اما تحیل‌مان به حرکت درمی‌آید از آنجا که در تجربهٔ داستان - چه کتاب تاریخ باشد چه داستانی علمی تحیلی - دست به هیچ عملی نمی‌زنیم، این جهانِ خاص مطلقاً عیرواقعی است برای تغییر حگ و اتزلو یا حگ کُرَات از ما هیچ کاری ساخته نیست اما در عین حال به نحوی در آنها مشارکت داریم درگیر و آلودهٔ رحدادهایی می‌شویم که درباره‌شان

این دو در آن با هم جمع می‌آید در نظر می‌گیریم حایی که آن را تاریخ می‌نامیم در کلمهٔ history (تاریخ) معایی دوگانه بهفته است این واژه از واژه‌ای یونانی گرفته شده که در اصل به معنای کاوش یا تحقیق بوده است اما چیری نگذشت که دو معنا پیدا کرد که در اینجا به کار ما می‌آید واژهٔ تاریخ از سویی می‌تواند به معنای «چیرهایی که رح داده‌اند» باشد، از سوی دیگر می‌تواند «روایتِ نت شدهٔ اموری که فرص شده است رح داده‌اند» معنا دهد یعنی تاریخ هم می‌تواند به معنای رحدادهای گذشته باشد و هم قصهٔ (story) این رحدادها امر واقع - یا داستان خود کلمهٔ "story" هم در واژهٔ "history" ناخی مانده و اصلاً از این کلمه مشتق شده است آنچه به عنوان تحقیق آعار می‌شود، در حاتمه باید به صورت داستان درآید امر واقع، اگر می‌خواهد ناخی بماند، باید داستان شود پس، از این مطر، داستان در تقابل با امر واقع قرار ندارد بلکه مکمل آن است داستان به اعمال فاپدیر اسان‌ها شکلی می‌دهد ماندگارتر

اما حقیقت این است که این تنها یکی از حسه‌های داستان است شک نیست که در نظر ما داستان چیری کاملاً متفاوت با اساد تاریخی یا داده‌های صرف است داستان از نظر ما فقط ساخته نمی‌شود، بر ساخته می‌شود، یعنی محصول عیرمعارف و عیرواقعی قوهٔ تحیل اسان است حوب است داستان را به هر دو صورتش که در اینجا ترسیم شد در نظر بگیریم داستان می‌تواند متنی بر امور واقع باشد و بردیکترین انطاق ممکن را بین قصه‌اش و چیرهایی که عملاً در جهان رح داده‌اند حفظ کند یا بسیار خیالافانه باشد و درکی را که از ممکنات معمول زندگی داریم ریر پا نگذارد اگر این دو شکل افراطی را دو سرِ تمامیِ طیفِ امکانات داستانی بدانیم، می‌توانیم بین مادون